

یادداشت

ضرورت تداوم فرهنگ‌ها یا عدم آن در گرافیک معاصر–۴

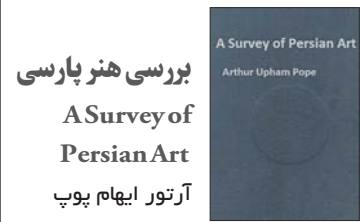


ناصر نصیری
طراح گرافیک
مدرس دانشگاه

● برای به‌دست‌آوردن اطلاعات دقیق و صحیح از موتیف‌ها و آثار بصری تمدن ایران و موزای‌سازی آن با آنچه در اروپای قرون وسطی اتفاق می‌افتاد که چیزی حدود هزار سال را شامل می‌شود، دو دوره بسیار مهم را می‌بایست در ابتدا به صورت مستقل بررسی کنیم. سپس به تداوم و تأثیر هر دو دوره بر هم بپردازیم؛ زیرا آنچه ما امروزه در واقع به‌عنوان فرهنگ ایرانی از آن یاد می‌کنیم و در دسترس داریم، ترکیبی جدانشدنی از آنهاست؛ نخست هنر و تمدن پیش از اسلام و دوم بعد از اسلام. معرفت نسبت به تمدن ایران باستان یا پیش از اسلام نه‌تنها برای ما ایرانیان شرط لازم است بلکه از هر سو برای پژوهش درباره فرهنگ، تمدن و هنر هر کجای جهان که اقدام کنیم بدون شک در جایی با تأثیرات عظیم فرهنگ و هنر ایرانی روبه‌رو خواهیم شد و خواهیم دید چه تأثیرات غیر قابل انکار و بزرگی گذاشته است در شکل‌گیری مکاتب هنری قدیم و جدید جهان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم.



ایران پیش از اسلام سرزمینی با وسعت بسیار بزرگ است که در شکل‌گیری نهایی تمدن و هنرش اقوام بسیاری تأثیر گذاشته‌اند؛ به عبارت دیگر آنچه امروزه از تمدن ایران باستان می‌شناسیم منحصر به یک طبقه حاکم یا زبان و قوم واحدی نیست، بلکه نمادی از قدرت ایران بزرگ است که توانسته اقوام و فرهنگ‌های مختلفی را در گستره وسیع خود گرد بیاورد و با استفاده از تجارب و دستاوردهای آنان شمالیی مرجع از فرهنگ آن دوران را حفظ کند. البته از آن جهت که موضوع این مباحث روایت تاریخ هنر یا تمدن نیست، از پرداختن به جزئیات صرف‌نظر کرده و بیشتر روی عناوین و مواردی متمرکز خواهیم شد که در آنها نگاه و محصول بصری مهمی اتفاق افتاده و با تغییرات و اقت‌خیزهایی به امروز و دست ما رسیده است.



ازجمله شاخص‌ترین تمدن‌هایی که در ایران پیش از اسلام مظاهر بسیار عمیق داشته و ذوق، اندیشه و رویکرد مردمان زمان خویش را بازگو می‌کنند، فارغ از رویه حاکمان و دولت‌های ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و… آثار مکشوفه در شهرهای کهن شوش، انشان، نینوا، بابل، جیرفت، شهر سوخته، مارلیک و امش، تپه سیلک و زیویه و آثاری دیگر در مناطقی همچون کوه‌های خواجه لرتان است.

با مطالعه نقوش به‌جامانده از آثار کشف‌شده در مراکز که به اختصار نام برده شد، می‌توان به مهارت، نگرش و جهان‌بینی هنرمندان و صنعتگران ساکن در سرزمین پهناور ایران تا حدودی دست یافت.

آنچه را ما امروزه از این نقوش در دست داریم مدیون محقق، مورخ و هنرمند بزرگ آرتور ایهام پوپ هستیم که با علاقه‌ای وصف‌ناپذیر نقوش و آثار باستانی ایران را کشف، آتالیز و مکتوب کرد و با دستاوردهای این پژوهش در شناساندن ایران باستان به جهان معاصر بسیار کوشید. نخست آن بود که با سخنرانی‌هایش در هاروارد و مراکز آموزش عالی فرانسه به سهم ایران در پیدایش هنر گوتیک پرداخت. شاخص‌ترین اثر پوپ که جایگاه بسیار مهمی در مباحث مربوط به مطالب ما دارد و از مراجع اصلی این موضوع محسوب می‌شود، کتاب بررسی هنر پارسی (A Survey of Persian Art) است که برای نخستین‌بار در سال ۱۹۳۹ توسط دانشگاه آکسفورد به چاپ رسید. این نخستین گزارش کامل و مرجع عالی از هنر ایران باستان بود که در مجامع تاریخی و فرهنگی غرب به معرفی ایران پرداخت. در شماره‌های بعد به بررسی نقش‌سایه‌های بازمانده از این دوران که راه‌گشای ما خواهد بود در شناخت سلیقه، رویکرد و شیوه ایرانی خواهیم پرداخت.

مسعود میرکاظمی

مسعود میرکاظمی را عموما به‌عنوان وزیر دولت احمدی‌نژاد

می‌شناسند؛ احمدی‌نژاد در ۲۳ مرداد ۸۴ او را برای تصدی وزارت بازرگانی به مجلس معرفی کرد و مجلس نیز به او رأی اعتماد داد. او در همان سال‌های اولیه دولت به دلیل تعرفه کالاهای وارداتی، بی‌ثباتی در نرخ تعرفه‌ها و عدم حمایت از واحدهای تولیدی قرار بود در مجلس اصولگرای هفتم استیضاح شود که به دلیل آنکه مجلس روزهای آخر خود را سپری می‌کرد، طرح استیضاح به اجرا گذاشته نشد و میرکاظمی با ازمان ماند. او در دولت دهم باز هم وزیر شد، اما این‌بار وزیر نفت. سال ۹۰ احمدی‌نژاد به نوعی میرکاظمی را برکنار کرد. علت اولیه، ادغام دو وزارتخانه نفت و نیرو بود. درپی ابراز این دلیل میرکاظمی برکنار شد، اما در عین حال دو وزارتخانه نیرو و نفت نیز ادغام نشدند. قرار

بود او دوباره به سمت خود بازگردد که احمدی‌نژاد با این مسئله مخالفت کرد و خودش سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گرفت و عملا میرکاظمی از مسئولیتش عزل شد. بعد از مدتی هم رستم قاسمی با کسب رأی اعتماد مجلس یا به وزارتخانه نفت گذاشت. بعد از گذشت سال‌ها از دوران وزارت میرکاظمی در دولت احمدی‌نژاد، او با حکم سیدابراهیم رئیسی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه شده است که باز هم مسئولیتی اقتصادی در کارنامه او محسوب می‌شود.

جواد اوجی

یکی دیگر از اعضای تازه هیئت‌امنای فارابی جواد اوجی، وزیر نفت است که این‌ انتصاب با توجه به مسئولیت کنونی اوجی، به‌وضوح حضور نیروهای اقتصادی در یک سازمان سینمایی را نشان می‌دهد. تمام مسئولیت‌هایی که اوجی بر عهده داشته، به‌طور مستقیم به حوزه نفت و گاز مربوط بوده است. مسئولیت‌های متعدد اوجی را این‌گونه می‌توان احصا کرد: مدیرعاملی هلدینگ انرژی‌گستر سینا (زیرمجموعه بنیاد مستضعفان)، مدیرعاملی گروه اقتصاد مفید (زیرمجموعه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام)، مدیرعاملی و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره هلدینگ نفت و گازی توسعه پترومفید (زیرمجموعه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام)، عضو هیئت‌مدیره شرکت نفت و گاز رضوی (متعلق به آستان قدس رضوی)، رئیس هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی (زیرمجموعه هلدینگ تاییکو با همان شتا)، رئیس هیئت‌مدیره شرکت مهندسی توسعه گاز ایران، عضو هیئت‌رئیس‌ه صندوق بازنشستگی صنعت نفت، معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، رئیس هیئت‌مدیره پالایشگاه‌های گازی شرکت ملی گاز، عضو هیئت‌امنای دانشگاه صنعت نفت، مدیرعامل و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، معاون فنی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، رئیس مهندسی نفت شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، سرپرست اداره ارزیابی مخازن نفت و گاز نفت مناطق مرکزی، کارشناس ارشد اداره مهندسی پتروفیزیک مناطق نفت‌خیز جنوب اهواز و کارشناس ارشد مخازن نفت و گاز اداره مهندسی نفت مناطق نفت‌خیز جنوب اهواز. با نگاه به این کارنامه بلندبالا می‌توان به‌سادگی دریافت که تمام مسئولیت‌های وزیر نفت کنونی و البته یکی از اعضای هیئت‌امنای بنیاد سینمایی فارابی در حوزه نفت و گاز بوده است.

سعید محمد

سعید محمد هم یکی دیگر از اعضای هیئت‌امنای فارابی است؛ فردی که عموم جامعه بیشتر او را به‌عنوان یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ می‌شناسد که البته به دلیل رذصلاحتی از سوی شورای نگهبان نتوانست در عرصه رقابت‌های انتخاباتی حاضر شود. تقریباً تمام کارنامه محمد به حضورش در سپاه پاسداران برمی‌گردد و هنوز هم با آنکه تمایل دارد چهره‌ای سیاسی از خود نشان دهد، اهل سیاست او را یک نظامی می‌دانند. سعید محمد سال ۶۶ و زمانی که تنها ۱۹ سال داشت، به عضویت رسمی سپاه پاسداران درآمد. فعالیت او در سپاه پاسداران تنها به بخش‌های مدیریتی و اجرایی در شرکت‌های زیرمجموعه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و دوره کوتاهی نیز در بنیاد تعاون سپاه خلاصه می‌شود؛ به نحوی که اگر در جایی غیر از سپاه هم مدیریت کرده باشد، محل فعالیتش به نحوی وابسته به سپاه بوده است. برای مثال او از سال ۸۶ تا ۹۳ مدیرعامل گروه سیاسد بود که این مجموعه به قرارگاه خاتم وابستگی داشت. او در آخرین میثت فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیا را تجربه کرد. محمد در ۱۷ اسفند ۹۹ برای حضور در انتخابات

هنر



انتصاب‌های اخیر در بنیاد فارابی حاوی چه پیامی است؟

سینمای سیاسی‌ها

گروه هنر؛ چند روزی است که تغییر و تحولات در بنیاد سینمایی فارابی، نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرده و گمانه‌زنی درباره چگونگی تصمیم‌گیری از سمت تیم جدیدی که در این ساختمان مستقر شده‌اند، بیشتر کرده است. مدتی قبل محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد به پیشنهاد محمد خزایی، رئیس سازمان امور سینمایی، اعضای هیئت‌امنای بنیاد سینمایی فارابی را برای دو سال منصوب کرد که در میان شخصیت‌های منصوب‌شده، نام‌های جالبی به چشم می‌خورد؛ ازجمله مسعود میرکاظمی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌بودجه؛ جواد اوجی، وزیر نفت؛ سعید محمد، مشاور رئیس‌جمهور در امور مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی و دبیر شورای عالی مناطق آزاد؛ علی‌عسگری، معاون ستاد اجرایی فرمان امام؛ علیرضا مختاریور قهرودی، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ میثم نبلی، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ حسن خجسته، معاون پیشین صداوسیما؛ سیدمحسن مهاجرانی، معاون پیشین صداوسیما و مشاور رئیس رسانه ملی به‌همراه محمد خزاعی که ریاست سازمان امور سینمایی را بر عهده دارد. در میان این اسامی صرفا سه نفر یعنی مهاجرانی، خجسته باقرزاده و مختاریور ادامه فعالیت‌شان به‌عنوان عضو هیئت‌امنای بنیاد فارابی تمدید شده است و دیگر اعضا به‌طور کلی تغییر کرده‌اند و دو محور در سابقه افراد حاضر مشهود است: اقتصاد و سیاست. این در حالی است که در همین چند روز بسیاری از تفاوت عمده ترکیب هیئت‌مدیره سابق بنیاد سینمایی فارابی و ترکیب کنونی سخن می‌گویند.

پیش از این، حسین انتظامی رئیس وقت سازمان سینمایی، سیدمحسن مهاجرانی، سیدمحمد بهشتی، شهریار بحرانی، حسن خجسته باقرزاده، محمدمهدی عسگریور، هوشنگ مرادی‌کرمانی، علیرضا مختاریور قهرودی و منوچهر شاهسوری در هیئت‌مدیره پیشین بنیاد سینمایی فارابی حضور داشتند؛ ترکیبی که اکثر اعضای آن را سینماگران و اهالی فرهنگ تشکیل می‌دادند.

بد نیست با کارنامه افرادی که در انتصاب اخیر به هیئت‌امنای فارابی پیوسته‌اند، قدری آشنا شویم.

ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ از قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا استعفا داد و سردار حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران پس از قبول این استعفا، او را به‌عنوان مشاور خود منصوب کرد. محمد در متن استعفایش دلیل تصمیم خود را «جلوگیری از ایجاد شائبه‌های سیاسی و انتخاباتی» بیان کرد. پس از اعلام رسمی محمد مبنی بر ورودش به انتخابات واکنش‌های زیادی برانگیخته شد؛ عمده نیروهای اصلاح‌طلب به حضور نظامی‌ها در عرصه سیاسی و مشخصا

انتخابات ریاست‌جمهوری انتقاد کردند و چنین شیوه‌ای را خلاف نظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی دانستند. گرچه در اصولگرایان چنین نقدی وجود نداشت اما به نظر می‌رسید برخی از نیروهای این جبهه سیاسی چندان راضی به حضور محمد در عرصه انتخابات نبودند که شاخص‌ترین موضع‌گیری علیه محمد از سوی حمیدرضا ترقی، عضو حزب مؤتلفه اسلامی ابراز شد. او در گفت‌وگویی بیان کرد که اصلا محمد از سپاه استعفا نداده، بلکه او به دلیل وجود تخلفاتی کنار گذاشته شده است. بعد از این اظهارات، بسیاری سخن ترقی را خلاف واقع دانستند و فشارها تا حدی پیش رفت که ترقی عذرخواهی کرد، اما ماجرا محدود به همین موضع‌گیری نشد و سردار بدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه، موضعی مشابه ترقی گرفت و گفت «سعید محمد را به علت تخلف و رعایت‌نکردن مقررات از قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا منفک کرده‌اند و سپاه پاسداران نیز نه از سعید محمد و نه از هیچ کاندیدای دیگری در انتخابات حمایت نمی‌کند و نخواهد کرد». پس از سخنان سردار جوانی، سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه نسبت به این بحث‌ها موضع‌گیری

زیرا قرارگاه خاتم به‌طور کلی با محوریت انجام پروژه‌های اقتصادی فعالیت می‌کند؛ بنابراین سابقه محمد گرچه نظامی محسوب می‌شود، اما ماهیت فعالیتش در کسوت نظامی، اقتصادی بوده است و حالا هم سیدابراهیم رئیسی او را به‌عنوان مشاور خود در امور مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی و دبیر شورای عالی مناطق آزاد منصوب کرده است.

علی عسگری

علی عسگری هم به‌نوعی مسئولیتی اقتصادی دارد. او معاون ستاد اجرایی فرمان امام است. ششم اردیبهشت سال ۶۸ بود که با حکم رهبر فقید انقلاب به حبیب‌الله عسکراولادی، مهدی کروبی و حسن صنعی برای دراختیارگرفتن همه وجوه و اموال مجهول‌المالک بلاصاحب، ارت بلاوارث و اموالی که برای تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و

دیگر قوانین، در اختیار ولی فقیه قرار گرفته است، ستاد اجرای فرمان امام آغاز به کار کرد. این افراد از طرف امام اختیار داشتند در فروش، نگهداری و اداره املاک یادشده اقدام کرده یا قسمتی از این اختیارات را به وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار کنند. ستاد اجرایی موظف شد همه درآمدهای حاصل‌شده را در موارد مقرره شرعی، بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مسکن، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، طرح شهید رجایی و بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و مواردی از این دست مصرف کند. پس از درگذشت امام ریاست ستاد در سال ۷۳ به محمد شریعتمداری واگذار شد و پس از آن در سال ۱۳۷۶ محمد جواد ایرانی در این جایگاه قرار گرفت. محمد مخبر هم از سال ۸۶ ریاست ستاد اجرایی را بر عهده گرفت. با روی‌کارآمدن مخبر در ستاد اجرایی رویکرد جدید فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ستاد با هدف فراهم‌کردن امکان مشارکت مردم به‌ویژه کارآفرینان، مخترعان و نخبگان کشور با اولویت‌دادن به قشرهای محروم جامعه در مناطق محروم کشور آغاز شد. با این اوصاف می‌توان دریافت که مسئولیت عسگری که اینک عضو هیئت‌امنای یک سازمان سینمایی غیروولتی است، کاملا اقتصادی است.

میثم نبلی

میثم نبلی در این بین چهره‌ای اقتصادی ندارد اما چهره فرهنگی خاصی دارد. او از حلقه مشاوران جوان احمدی‌نژاد بود و در سال ۸۸ مسئولیت کمیته سیاسی ستاد هماهنگی حمایت‌های مردمی از احمدی‌نژاد را بر عهده داشت و در انتخابات سال ۸۸ می‌گفت که «چرخه قدرت و ثروت سال‌ها مانند یک خار در گلوی مردم باقی مانده بود که احمدی‌نژاد این جریان را نمایان کرد و به‌وضوح در مقابل چشمان مردم ایران دیده شده». او حتی در احمدی‌نژاد این‌چنین یاد کرده بود: «بعض فرورودنده محرومانی را که سال‌ها مورد تعدی عناصر فاسد اقتصادی قرار گرفته بودند، فریاد کرد» (خبرگزاری فارس، ۱۴ خرداد ۱۳۸۸). او و پس از آن مسئولیت‌هایی مانند رئیس مجمع ناشران انقلاب اسلامی و عضو شورای اندیشه‌ورز شبکه سه و صاحب‌امتیاز و مدیرمسئولی سایت رنجانیوز را بر عهده داشته است. نکته مهم اینکه او عضو شورای مرکزی جبهه پایداری هم بوده است. او در سال ۹۸ هم با حکم محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، به‌عنوان مشاور این سازمان در حوزه کتاب و نشر منصوب شد. او حالا به‌عنوان مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند.

اعضای ابقاشده

همان‌طور که گفته شد، سیدمحسن مهاجرانی، حسن خجسته باقرزاده و علیرضا مختاریور، دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، از دوره پیش در جایگاه خود در سازمان سینمایی فارابی ابقا شده‌اند که نسبت به نفرت دیگر هیئت‌امنا چهره‌ای فرهنگی دارند.

اقتصادی و سیاسی شدن سینما

با مشاهده اعضای جدید هیئت‌امنای سازمان فارابی می‌توان به دو نتیجه رسید؛ نخست آنکه با حضور چهره‌های کاملا اقتصادی این گمانه در ذهن نقش می‌بندد که شاید بعد از این و بیشتر از گذشته شاهد ورود پول‌های دولتی به حوزه سینما باشیم؛ پول‌هایی که البته سینما را به‌صورت مزمنی وابسته به دولت می‌کند. دوم آنکه چهره‌های مذکور علاوه بر آنکه پیشینه کاملا اقتصادی دارند، در حوزه سیاسی هم دستی بر آتش دارند؛ به‌نحوی‌که هریک در دولت کنونی منصبی اتخاذ کرده‌اند. حالا با جمع این دو عامل این نگاه نیز وجود دارد که با ورود اقتصاد دولتی به سینما و در عین حال وجود چهره‌های سیاسی که بعضا گرایش‌هایی خاص در سیاست را دنبال می‌کنند، اقتصاد دولتی هدایت‌شده‌ای را در سینما شاهد باشیم.

یادداشت

مجموعه‌داری پایه‌گسترش اقتدار فرهنگی و اقتصادی

جاوید رضانی

کارشناس هنری و مرمتگر آثار

● مجموعه‌دار کیست و تاریخ این پدیده اجتماعی در ایران معاصر چه قدمتی دارد؟ این سؤالی است که به‌سختی می‌توان آن را توضیح داد.

در تعریف جامع و مانع، مجموعه‌دار کسی است که اشیا و هنرهای نفیس و صنایع ظریفه را گردآوری و بر اساس روندی فنی یا تاریخی و با رویکردی معنایاب تنظیم و مستند می‌کند.

به‌طور مشخص این پدیده در ارتباط با قدرت و فرهنگ نسبتی درخور تأمل به وجود می‌آورد.

در دوران صفوی و پادشاهی شاه‌عباس با شکل‌گیری اقتصاد پرونوق، طبقات متوسط توان خرید آثار هنری هنرمندان را داشتند. تولید قطعات خوشنویسی به همراه تزئینات متداول برای این نواشرها یا نقاشی با سوزه تک‌شخصیت حاکی گسترش خرید آثار نزد مردم عادی جامعه بود. این خروج هنر از دربار و رابطه بیشتر با مردم خود رونق‌بخش شبکه‌های متفاوتی از ارتباط و اندیشه با محوریت زیبایی و تحسین مردم نسبت به صناعت ظریفه شد.

گفت‌وگوهای فرهنگی در دوران صفوی و ارتباطات با جهان خارج به‌ویژه کشورهای اروپایی وفاق عمومی در مورد معنی هنر را دچار تزلزل کرد؛ البته استفاده از هنر در رویکرد ارتباطی دومین پادشاه قاجار اهمیت بسیار یافت. فتحعلی‌شاه پرتره شخصی خود را به اقصی‌نقاط جهان و دربارهای اروپایی ارسال کرد و پس از وی ناصرالدین‌شاه، مهم‌ترین فرد از سلسله قاجار بود که به هنر توجه خاصی داشت؛ وی در سفرهای فرنگستان خود بر اساس دیدار از موزه‌ها و مراکز هنری اروپاییان درگیر گفتمان موزه‌ای شد. موزه‌ها پدیده‌ای ساختاری در تثبیت قدرت جوامع مدرن بودند که از قرن هجدهم با تکیه بر مجموعه‌های تهیه‌شده توسط اشراف و متمولین تأسیس شدند. این مجموعه‌ها تنها منحصر به آثار بومی کشور نبودند، بلکه قطعات متفاوتی از دیگر فرهنگ‌ها جمع‌آوری شده بود که آگاهی کشورهای اروپایی از نگرش و فهم دیگر جوامع را گسترش داد. با تجمع این مجموعه‌ها آثار و تشکیل موزه‌ها مراکز فراهم آمد تا گفتمان ژئوپلیتیکی به نام اورینتالیسم یا شرق‌شناسی شکل بگیرد که منبع لایزال نفوذ و منافع مالی را برای غربیان به همراه داشت.

کشورهای شرقی توسعه‌یافته مانند چین توجه بسیاری در گسترش فرهنگ مجموعه‌داری و در نتیجه آن تشکیل موزه‌ها دارند.

داده‌های رسمی نشان می‌دهد تعداد کل موزه‌های چین از چهارهزارو ۶۹۲ عدد در سال ۲۰۱۶ میلادی به پنج‌هزارو ۷۸۸ موزه در سال ۲۰۲۰ میلادی رسیده و از طرف دیگر، آمار بازدیددهاران سالانه از این موزه‌ها از ۲۰ میلیون بازدیدد در این بازه زمانی به ۱،۲ میلیارد بازدید رسیده که این به معنای رشد فرهنگ موزه هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی است.

موزه ملی چین دارای بیش از یک میلیون قطعه بارزش هنری-تاریخی است که در سال گذشته آمار پربازدیدترین موزه پس از موزه لوور پاریس را داشت.

این مهم بدون توجه به مجموعه‌داری و تشویق صاحبان ثروت در جهت تجمع این قطعات امکان‌پذیر نمی‌شود.

چین مانند ایران کشوری است باستانی که گذشته قربانی فضای استعماری شده است و بسیاری از قطعات نفیس هنری و تاریخی چین در موزه‌های غربی نگهداری می‌شود و امروز با شکل‌دادن روند معکوس این قطعات از مجموعه‌های خارجی به سمت موزه‌های چین جاری شده‌اند.

سیاست‌گذاری و حمایت از مجموعه‌داران باعث شده تا بزرگ‌ترین خریداران آثار هنری معاصر در این کشور شکل گرفته و معتبرترین کاری‌های غربی در ۱۰ سال گذشته در این کشور شعب خود را افتتاح کرده و سعی در جذب این خریداران جدید داشته باشند.

باید توجه داشت که نبردهاگ اکنون با دولت‌های مهاجم در حیطه اقتصاد و فرهنگ است. تنها یک گالری مطرح غربی در سال ۲۰۱۷ به‌طور تقریب رقمی در حدود یک میلیارد دلار فروش آثار هنری داشته است (گالری گگوسپان). توجه به اقتصاد هنر به‌عنوان پیشرانه رونق اقتصادی در غرب از سال‌های ۱۹۹۹میلادی خود حاکی از تحرک و پدیدارشدن مجموعه‌داران جدیدی است که با خرید آثار معاصر هنری باعث اعتباربخشی و صعود قیمت هنرمندان بومی همان کشور شده است. برای مثال در سال‌های ۲۰۰۷ با حضور حراج‌خانه‌های بین‌المللی در امارات متحده عربی خیل بسیاری از مجموعه‌داران غرب تمایل به خرید هنر هنرمندان ایرانی یا زیبایی‌شناسی ایرانی و اسلامی داشتند، اما امروز به‌صورت مشخص این مجموعه‌داران در پی خرید آثار کشورهای عربی و فرهنگ بومی خود بوده و هنرمندان ایرانی در حال کم‌رنگ‌شدن در این بازارها هستند.

ادامه در صفحه ۹